

شکلِ دیزاین



www.ketab.ir

شکل دیزاین

فرانک کیمرو

ترجمه راضیه خشنود

ویرایشی امیر مولایی

تصویرسازی فرانک کیمرو

لیتوگرافی، چاپ و صحافی واژه پرداز اندیشه

چاپ نخست ۱۳۹۹. شمارگان ۵۰۰ نسخه

نشر مشکی . تهران

www.meshkinpublication.com

info@meshkinpublication.com

  meshkinpublication

همه حقوق برای نشر مشکی است.
تکثیر یا تولید همه چیزهای از کتاب هر صورت
(انتشار الکترونیکی، چاپ فتوکپی، تصویربرداری،
بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است).

سرشناسه: شیمرو، فرانک

Chimero, Frank

عنوان و نام پدیدآور: شکل دیزاین / فرانک کیمرو؛ ترجمه راضیه

مشخصات نشر: تهران: نشر مشکی، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۲۸ص: مصور (رنگی).

شابک: ۹۷۸-۶۲۷-۶۶۶۹-۲۸-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: *The shape of design*, 2012.

موضوع: طراحی

موضوع: Design

شناسه افزوده: خشنود، راضیه، ۱۳۵۶-، مترجم

رده‌بندی کنگره: NK1۵۱۰

رده‌بندی دیویی: ۷۴۵/۴

شماره کتابشناسی ملی: ۵۷۶۴۹۶

فهرست

۱۱ | پیش‌گفتار

۱۵ | مقدمه

۱۷ | آواز

۲۱ | فصل یک: چطور و چرا

۳۱ | فصل دو: پیشینه زیبایی

۳۹ | فصل سه: بداهه و محدودیت‌ها

۴۹ | فصل چهار: سرم و شامپو

۲ | فضاهای میانی

۶۳ | فصل پنج: تخیل و پل‌ها

۷۱ | فصل شش: زمینه و واکنش

۳ | افتتاحیه

۸۱ | فصل هفت: داستان‌ها و خلأها

۹۱ | فصل هشت: چارچوب و آداب

۱۰۱ | فصل نه: لذت و میزبانی

۱۰۹ | فصل ده: هدایا و هدیه دادن

۱۲۳ | یادداشت‌های مترجم

۱۲۵ | نام‌نامه

پیش‌گفتار

لیز دانزیکو

آشنایی من و فرانک کیمرو از دلبستگی مشترک به موسیقی جَز شروع شد، ولی نه فقط با ردوبدل کردن آهنگ. ما فرم جَز را سرمشق قرار دادیم. او در وبلاگش چیزی می‌نوشت و من پاسخی داد. من یکی از ایده‌های خام او را بداهه‌پردازی می‌کردم و او یکی از نوشته‌های وبلاگ مرا حرار می‌کرد. شبیه روش صدا زدن و پاسخ دادن، تا شکل گرفتن رابطهٔ دوستی.

به موازات هم می‌نوشتیم بی‌آنکه به یکدیگر یا رودرو با هم حرف زده باشیم. مانند خیلی از روابط انسانی: ما هرگز کسانی را که دورادور ستایش می‌کنیم از نزدیک نمی‌بینیم. داستان‌هایشان را می‌خوانیم، ویدیوهایشان را می‌بینیم و آثارشان را بررسی می‌کنیم. فواصل میانی را خودمان می‌سازیم. ما بداهه‌سازی می‌کنیم. داستان‌های فرانک می‌شوند داستان‌های من. داستان‌های ما، این کتاب از یک لحاظ ساختن چیزها با داستان‌هاست و استفاده از آن برای سرزستن. یک روز، ایمیلی از فرانک دریافت کردم که در آن خودش را معرفی کرده بود:

می‌دانی من عاشق کدام جنبهٔ جَز و بداهه‌نوازی هستم؟ کل این موسیقی فرایند است، از صفر تا صد. ذاتش فرایند است، هیچ دو اجرایی عین هم نیستند و برای بهره بردن واقعی از آن باید اجرای زنده را ببینی تا شاهد

پیشرفتش باشی. همهٔ باشگاه‌های جز یا کمدی‌های بداهه، معبدی برای فرایند تولیداند. کارخانه‌ای که هنرش مونتاژ است نه تولید. جز بیشتر فعل است تا اسم. من در دنیایی مملو از حس سکون می‌خواهم برای نجات خودم فعلی پیدا کنم و با تمام توان به آن بچسبم.

من و فرانک کم‌کم در مکالمه‌های مان میان سیستم‌های همجوار در دنیا و فرایند دیزاین خودمان تمایز ایجاد کردیم. جز ابزار، هنر، پیتزا، هر اسمی که بگویی، فرانک که کمی کند که شکل ناپایداریش را به چیزی فعال‌تر بدل کنی - به یک فعل! - رم‌نشایی. دیزاین این سیستم‌ها کار دشواری است. اگر خوب انجام شود، به چیزی می‌رسی که فرانک در این کتاب آن را «راه سخت و طولانی و احمقانه» می‌نامد: فاصلهٔ میان کاآب و تلاش مضاعف که وامی دارد چیزها را با افتخار و عشق بسازیم. فرایندهای ما متنوع هستند و فرانک برای مسلح کردن خود با سپر پولادین سماجت، ابزار مناسب را انتخاب می‌کند و ما قرار می‌دهد.

از این منظر، این کتاب شاید این است که همه آن را دیده‌ایم: سیستم بزرگراه‌های بین ایالتی آمریکا. امروزه به نظر ما بدیهی می‌آید، ولی این سیستم شماره‌گذاری روزی باید دیزاین می‌شد. وقتی تیرهای تلفن در امتداد جاده‌های خاکی نصب شدند، از ادوین دبلیو. جیمز کارمند اداره حمل و نقل عمومی و گروهش خواستند تا سیستمی قابل گسترش‌تر دیزاین کنند. چون جاده‌ها در دههٔ ۱۹۲۰ در حال گسترش بودند. جیمز و گروهش چیزی را دیزاین کردند که امروزه آن را با نام سیستم شماره‌گذاری بین ایالتی می‌شناسیم. قبل از آن مردم روی تیرهای مسیری به نشانه‌های رنگی اعتماد می‌کردند: نوارهای رنگی روی تیرهای مخبریت در حاشیهٔ بزرگراه‌ها، که هر رنگ نشانهٔ یک جادهٔ خاکی بود. با گسترش جاده‌های خاکی، تعداد نوارهای رنگی زیاد شد و تیرها گاهی از پایین تا ارتفاع پنج متری رنگ می‌شدند و تلاش برای تشخیص رنگ‌ها خطرآفرین شد.